

## اغتنام فرصت در آثار امام محمد غزالی و دلالت‌های تربیتی آن

قاسم ملیحی<sup>۱</sup>

سیدهاشم گلستانی<sup>۲</sup>

جهانبخش رحمانی<sup>۳</sup>

رضاعلی نوروزی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۰۳

### چکیده

ابوحامد محمد غزالی، یکی از بزرگترین متفکران جهان اسلام است. هدف این پژوهش بررسی اغتنام فرصت در آثار غزالی و تبیین دلالت‌های تربیتی آن برای متولیان امر تعلیم و تربیت است. آثار و اندیشه‌های او در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی مانند: فقه، کلام و اخلاق در بیش از هفتاد تألیف، از وی به جا مانده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. نویسنده با مراجعه به آثار ابوحامد غزالی به مطالعه و بررسی آن دسته از نظرات مکتوب این اندیشمند بزرگ پرداخته است که درباره عمر، زمان و مفاهیم مرتبط با آن عنوان شده است. غزالی ضمن تأکید بر اهمیت عمر انسان، مخاطبانش را به اغتنام فرصت‌های مختلف زندگی که در بستر عمر بی بازگشت جریان دارد، دعوت می‌کند و هدف کلی وی در این توصیه‌ها، شناخت و اطاعت خداوند، کنترل هواهای نفسانی، بندگی پروردگار یکتا و سعادت در آخرت است. غزالی بهره‌برداری هرچه بیشتر از فرصت‌های عمر را در جریان تربیت بسیار مهم می‌داند و در خصوص اغتنام فرصت، توصیه‌های مکرر و مؤکد دارد و از هر آنچه که می‌تواند موجب اِتلاف وقت و از دست دادن فرصت‌ها باشد برحذر می‌دارد.

**کلید واژه‌ها:** اغتنام فرصت، غزالی، عمر، تعلیم و تربیت، دلالت‌های تربیتی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان(خوراسگان)، اصفهان، ایران.

<sup>۲</sup> استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان(خوراسگان)، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) [hashemgolestani4520@iran.ir](mailto:hashemgolestani4520@iran.ir)

<sup>۳</sup> استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان(خوراسگان)، اصفهان، ایران.

<sup>۴</sup> استادیار دانشگاه اصفهان(خوراسگان)، اصفهان، ایران.

## مقدمه

فرهنگ غنی اسلامی، دربردارنده معارف ناب و سعادت بخش است. قرآن پیروان خود را به بهترین راه و روش زندگی هدایت می‌کند (اسراء: ۹). تعلیم و تربیت<sup>۱</sup> یکی از مهمترین حوزه‌های علوم انسانی است که دارای حساسیت‌های خاص خود و امری فراگیر است؛ به این معنی که تمام دوران زندگی انسان از تولد (و حتی دوران جنینی) تا پایان عمر او را در بر می‌گیرد. فرمایش رسول گرامی اسلام (ص) در خصوص جستجوی علم و دانش از کودکی تا مرگ، اهمیت فراگیری توقف ناپذیر علم را بیان می‌دارد. (پاینده، ۱۳۸۳: ۲۱۸)

همه انسان‌ها روزی به دنیا می‌آیند و روزی از این دنیا رخت بر می‌بندند. طول مدت زمان این زندگانی از آمدن و رفتن، میزان عمر هر انسان است که با استفاده از تقسیم بندی‌های زمانی در قالب سال و ماه و روز و... اندازه گیری می‌شود. به عبارت دیگر لحظه‌های عمر انسان فرصت‌هایی هستند که او می‌تواند در جریان آن به امور مختلف زندگی خود بپردازد. بنابراین فرصت‌ها در زندگی انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند بلکه فرصت‌ها اصولاً بستر زندگی، حرکت، رشد و فعالیت‌های آدمی را تشکیل می‌دهد. اهمیت فرصت و پرداختن به مقوله فرصت‌ها از این جهت مهم تر جلوه می‌کند که زمان عمر آدمی قابل بازگشت نیست و تولد تا مرگ مسیری یکطرفه است و فرصت‌ها، هم اکنون نیز در حال گذر هستند.

عمر انسان‌ها محدود است، هر فرد فقط یک بار به دنیا می‌آید و زمان به گذشته باز نمی‌گردد. بنابراین توجه به فرصت‌ها و غنیمت شمردن آنها برای افراد عاقل بسیار مهم خواهد بود. گذر عمر، آهسته و بطئی است و غفلت آور. تکرار و روزمرگی انسان‌ها را از این واقعیت غافل می‌کند.

یکی از بزرگترین اندیشمندان جهان اسلام، امام محمد غزالی است. غزالی در سال ۴۵۰ هـ ق در طوس به دنیا آمد. کتاب‌های گرانسنگ احیاء علوم الدین، کیمیای سعادت، المنقذ من الضلال، از آثار اوست. وی پس از زندگانی پرتحول خویش در سال ۵۰۵ هـ ق، همان جا وفات یافت. او در طول حیات پر تحوّل و تطوّر خویش بیش از هفتاد عنوان کتاب نگارش نمود (همایی: ۲۲۱). غزالی ذهنی حقیقت طلب داشت. او مطالعات خویش را از فقه شروع کرد؛ سپس به کلام و بعد از آن به فلسفه روی آورد. غزالی نهایتاً به تصوف رسید و حقیقت را در آن یافت.

در خصوص آثار و اندیشه غزالی کتب و مقالات بسیاری نگاشته شده است و همایش‌ها و کنگره‌هایی در خصوص این بزرگ مرد تاریخ اسلام برگزار شده است. از سوی یونسکو سال ۲۰۰۸ به عنوان سال غزالی نامیده شد (جلیلی: ۵). در ایران، به همین بهانه، کتابی تحت عنوان «مجموعه مقالات غزالی پژوهی» گردآوری و چاپ شده است.

نویسنده تا کنون کتاب یا مقاله‌ای در خصوص چگونگی تبیین اغتنام فرصت از نگاه غزالی نیافته است. این نوشتار ابتدا به مطالعه اغتنام فرصت از دیدگاه غزالی پرداخته و سپس دلالت‌های این اغتنام فرصت در تعلیم و تربیت را بررسی و تحلیل می‌نماید.

با مراجعه به آثار غزالی و مطالعه آن بخش از آثار وی که بیشتر جنبه اخلاقی و فلسفی دارد؛ همچون احیاء علوم الدین، کیمیای سعادت، ایهاالولد، المنقذ من الضلال و مانند آن، به تبیین فرصت، مصادیق آنها و ضرورت اغتنام فرصت‌ها در اندیشه غزالی پرداخته شده است.

### روش پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق، کیفی و از نوع توصیفی و تحلیلی است. نویسنده با مراجعه و مطالعه آن بخش از آثار غزالی که بیشتر جنبه اخلاقی و فلسفی دارد و در دسترس محقق می‌باشد؛ از متن کتاب‌هایی همچون احیاء علوم الدین، کیمیای سعادت، ایهاالولد، المنقذ من الضلال و مانند آن فیش برداری و سپس به تبیین فرصت، مصادیق آنها و ضرورت اغتنام فرصت‌ها در اندیشه غزالی که در آثار او متبلور است پرداخته شده است.

واژه «اِغْتِنَامٌ»<sup>۱</sup>، واژه‌ای عربی است. فعل ثلاثی «غَنِمَ» به باب اِغْتِنَامٌ برده شده است. «اِغْتِنَمَ» فعل ماضی مزید، «يَعْتِنِمُ» فعل مضارع و مصدر آن «اِغْتِنَامٌ» به معنای غنیمت شمردن در استعمال می‌گردد.

اصطلاح «تعلیم و تربیت»، از دو واژه عربی «تعلیم» و «تربیت» تشکیل شده است. در زبان فارسی، اصطلاح آموزش و پرورش را معادل آن قرار داده‌اند. در زبان و ادبیات عرب، فعل ثلاثی عَلِمَ به باب تفعیل برده شده است. عَلِمَ - يُعَلِّمُ - تَعْلِيمٌ. «تعلیم» اسم مصدر عَلِمَ در باب تفعیل است و در زبان و ادبیات فارسی به معنای یاد دادن و آموزش دادن بکار می‌رود. «تربیت» نیز اسم مصدر رَبَوَ در باب تفعیل است و در زبان و ادبیات فارسی به معنای پرورش دادن و پروراندن بکار می‌رود. برخی

<sup>۱</sup> Seizing

از دانشمندان و پژوهشگران علوم تربیتی، واژه « تربیت » را به جای اصطلاح « تعلیم و تربیت » بکار می‌برند و تعلیم را نوعی پرورش ذهن و افکار انسان می‌دانند. (شعاری نژاد، ۱۳۷۰: ۱۲۶)

در این نوشتار، نویسنده واژه « تربیت » را به جای اصطلاح « تعلیم و تربیت » بکار برده است. تربیت عبارتست از شناسایی و پروراندن مجموع استعدادها و توانمندی‌های انسانی در جهت اهداف مورد نظر. خواه این اهداف جنبه مثبت داشته باشد؛ خواه، منفی.

واژه « فُرَصَت<sup>۱</sup>»، نیز کلمه ای عربی است که در فارسی نیز به همین معنی استفاده می‌شود. جمع فُرَصَت، فُرُص است. فرصت در فرهنگ زبان فارسی به معنای: فراغت، مجال، امکان، یارا، زمان، نوبت، وقت، درنگ، ضرب الأجل، فُرجه، وقفه، وقت مناسب برای کاری و مهلت است. (عمید، ۱۳۵۳: ۳۲۷)

اصطلاح « اِغْتِنَامِ فرصت<sup>۲</sup> » به معنای غنیمت شمردن لحظه‌ها و زمان‌ها و فرصت‌هایی است که در طول زندگی هر انسانی برای انجام دادن کاری، پدید می‌آید. برخی فرصت‌ها ممکن است در طول روز یا ماه یا سال یا عمر آدمی، چندین بار بوجود آیند؛ اما اولاً این یک احتمال است و ممکن است آن فرصت به خصوص، دیگر در زندگی آن فرد، تکرار نشود و ثانیاً شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی قطعاً عین زمان و فرصت از دست رفته قبلی نخواهد بود. ضمن اینکه اگر عمر آدمی را یک فرصت برای رشد و کمال و در جهت ارزش‌های مورد نظر فرد در نظر بگیریم، این فرصت عمر، کم کم در حال از دست رفتن، سپری شدن و تلف شدن است و غیر قابل بازگشت.

واژه « عُمُر<sup>۳</sup> » نیز معمولاً طول مدت زمان زندگی هر انسان از آغاز تولد تا وقوع مرگ آن انسان را شامل می‌شود. البته ممکن است برخی نیز از نظر زیست‌شناختی، آغاز تولد را از زمان تشکیل نطفه در نظر بگیرند.

بازگشت ناپذیری و حرکت رو به جلو، توقف ناپذیری، متفاوت بودن رفتار آدمی در دوره‌های مختلف زندگی از ویژگی‌های عمر انسان است.

مدت عمر در این دنیا به قدری اندک و کوتاه است که اگر آدمی صدها سال نیز عمر نموده باشد، باز هم کوتاهی آنرا اقرار خواهد نمود. حضرت جبرئیل (ع) از حضرت نوح (ع) پرسید که ای نبی الله دنیا را چون یافتی؟ گفت یا جبرئیل آنرا چون خانه ای دو در یافتیم. از یک اندر شدم و لحظه ای مکث

<sup>1</sup> Opportunity

<sup>2</sup> Seize the opportunity

<sup>3</sup> Lifetime

کردم و از یکی بیرون شدم. (غزالی، بی تا: ۱۶) .... ناکاه اجل درآید و کار از دست رود، در ندامت و حسرت ابدی افتی (غزالی، بی تا: ۲۹)

فرصت عمر: غزالی، مرگ را پایان تمام فرصت‌ها برای یک انسان می‌داند و از جنبه معنوی و اخلاقی به این موضوع می‌نگرد و انسان‌ها را به آن متذکر می‌شود و ضرورت استفاده به موقع از فرصت عمر را یادآور می‌شود و اینکه بعد از وقوع مرگ، دیگر کار از کار گذشته است و امکان جبران مافات نیست. غزالی با اشاره به آیه فَكشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (ق: ۲۲)، می‌گوید: پرده کارها از پیش چشم او بردارند و ضلالتی که عمرش را در آن گذرانیده و سعادت‌ی که از او فوت شده وی را همه معلوم و مشهود گردد و در آتش حسرت و ندامت افتد ... آن ساعت از خدای خویش مهلت یک ساعت عمر طلبد که مگر در آن ساعت عملی کند؛ او را مهلت و امان ندهند. به او گویند که ای نادان تو مهلت یک ساعت از ما می‌طلبی؟ ما ده هزار ساعت تو را عمر دادیم و به صد گونه روش و سلوک تو را به درگاه خود خواندیم و تو را راه درگاه خود نمودیم و تو را قدرت و طاقت رفتن آن راه هم دادیم. هیچ پروای سخن ما نکردی و شنیده را نشنیده گرفتی، حالا که کار از دست رفته است؛ مهلت یک ساعت عمر از ما می‌طلبی که در آن ساعت عملی کنی که سبب نجات ابدی تو شود؟ هیاهات هیاهات که این مُراد بر نیاید ... (پند نامه ۳۳ و ۳۴)

تا فرصت هست باید با اعمال پسندیده و عبادات، برای آن سرا چیزی فرستاد و گرنه بعد از مرگ چیزی نداریم که بفرستیم.

«ای که دستت می‌رسد کاری بکن پیش از آن که تو نیاید هیچ کار» (سعدی: قصیده ۲۸)

حرکت تدریجی و بدون وقفه عمر: غزالی به گذر تدریجی عمر انسان اشاره می‌کند و این واقعیت که عمر انسان‌ها بدون وقفه در حال سپری شدن است. و معلوم است که عمر تو همچنین بر دوام می‌رود و بتدریج هر لحظتی کمتر می‌شود و آن دنیاست که از تو می‌گریزد و تو را وداع می‌کند و تو از آن بیخبر. (غزالی، ۱۳۸۲: ۷۵)

کسی که حساب برگیرد تا چند بوده است از ازل دنیا که در دنیا نبوده و در ابد است که نخواهد بود؟ و این روزی چند در میان ازل و ابد چند است؟ داند که مَثَل دنیا چون راه مسافری است که اول منزل وی مهتد است و آخر منزل وی لحد است و در میان وی منزلی چند است معدود. هر سالی چون منزلی و هر ماهی چون فرسنگی و هر روزی چون میلی و هر نفسی چون کامی. و وی بر دوام می‌رود. یکی را آن راه فرسنگی مانده و یکی را کم و یکی را بیش و وی ساکن نشسته که گویی

همیشه اینجا خواهد بود، تدبیر کارهایی کند که تا ده سال باشد که بدان محتاج نشود و وی تا ده روز زیر خاک خواهد شد. (غزالی، ۱۳۸۲: ۷۶)

فلسفه اغتنام فرصت: فلسفه اصلی اغتنام فرصت به فلسفه خلقت بر می‌گردد. غزالی به استناد آیه: *أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا ...* نتیجه می‌گیرد که چون انسان‌ها بیهوده خلق نشده اند پس باید هدفی در زندگی داشته باشند و چون هدف از خلقت بشر عبادت و طاعت خداوند است پس بنابراین باید عمر خویش را در این راه بگذارد و فرصت عمر را برای اطاعت خداوند غنیمت شمرد (غزالی، بی تا: ۸)

علل از دست دادن فرصت‌ها و راهکارهای اغتنام فرصت: یکی از علل از دست دادن فرصت‌ها، پُرخوری و پُرخوابی است. غزالی در فواید کم خوری، ده فایده بر می‌شمرد و در یکی از آن‌ها، کم خوری را موجب کم خوابی در شب و توفیق برای مناجات نیمه شب می‌داند و سیر خوردن را موجب از دست دادن فرصت برای شب زنده داری و عبادت می‌داند. (و سرمایه آدمی، عمر است و هر نفسی از تو گوهری است که بدان سعادت آخرت را صید توان کرد و خواب، عمر ضایع کند و به زیان آورد، چه چیز عزیزتر بود از آنکه خواب را دفع کند؟) (غزالی، ۱۳۸۲: ۴۹۰). غزالی یکی از مصادیق نادانی و بلاهت را ضایع کردن گوهر عمر می‌داند. و هر نفسی سرمایه ای است گوهری آدمی را؛ ضایع کردن آن بی ضرورتی، ابله‌ی باشد. (غزالی، ۱۳۸۲: ۴۹۱)

دنیا گرایی و دنیا پرستی نیز یکی از علل از دست دادن فرصت هاست. غزالی فرصت عمر انسان در این دنیا را نه برای کسب قدرت و ثروت و لذائذ مادی، بلکه فرصتی برای ترک گناه و ردایل نفسانی، توبه و خودسازی می‌داند. غزالی در بحثی پیرامون توبه و ضرورت آن به برخی عوامل که موجب می‌شود آدمی توبه نکند و یا بر معصیت اصرار ورزد اشاره می‌کند. سبب سیم آنکه آخرت وعده است و دنیا نقد، و طبع آدمی به نقد مایل است و هرچه نسبه است که از چشم وی دور است از دل وی نیز دور است (غزالی، ۱۳۸۲: ۷۱۵)

غزالی، دنیا را فرصتی برای آبادانی آخرت می‌داند. او با تأسی حدیث مشهور نبوی (ص)، که فرمود: *الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ* (بجار الانوار، ج ۶۷: ۲۲۵) دنیا را کشتزاری برای آخرت در نظر می‌گیرد و این دنیا و فرصت زندگانی در آن را فرصتی مغتنم برای کاشتن و زراعت خوبی‌ها برای برداشت محصول در سرای آخرت می‌داند.

وقتی از پیامبر (ص) پرسیدند سعادت چیست، گفت: «طُولُ الْعُمُرِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ» یعنی عمر دراز در اطاعت خدا. از این رو انبیا و اولیا از مرگ اکراه داشتند. دنیا مزرعه آخرت است و هر چه عبادات با

طول عمر بیشتر شود، ثواب افزونتر و نفس زکی تر و پاک تر و کمال آن تام و تام تر و خشنودی صاحب آن از جمال آن به هنگام تجرد از علایق بدن، شدیدتر و بیشتر می گردد. (غزالی، ۱۳۷۶: ۷۰)

یکی از عواملی که می تواند انسان را به اغتنام فرصت ها ترغیب نماید، یاد مرگ خود، نزدیکان و اطرافیان است. غزالی در نامه ای به سلطان سنجر، از مرگ به عنوان «ناصح خاموش» یاد می کند. (غزالی، بی تا: ۱۷)

غزالی یکی از مصادیق اغتنام فرصت را محاسبه نفس خویش می داند. او با بیان حدیث نبوی (ص) که فرمود: حاسِبُوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا وَ وَزِنُوا قَبْلَ أَنْ تُوَزَنُوا (بحار الأنوار، ج ۶۷: ۷۳) می گوید: فرصت ها را از دست ندهید و به محاسبه نفس و اعمال خود بپردازید. (غزالی، بی تا: ۳۶) غزالی انسان را از گذراندن عمر در کارهای بی ارزش بر حذر می دارد. عمر خود را صرف اعمال بی ارزش نکنید. (غزالی، بی تا: ۳۷)

چون زمان مرگ را نمی دانیم پس، اغتنام فرصت ها، عملی فوری، ضروری و عاقلانه است. او یکی از مصادیق باهوشی و زیرکی انسان را در اغتنام فرصت و انجام عمل صالح و نیک برای بعد از مرگ می داند. زیرک کسی است که برای بعد از مرگش عمل بفرستد و فرصت را غنیمت بشمارد. (غزالی، بی تا: ۳۸) غزالی به پادشاه گوشزد می کند که همانطور که دنیای خود را تجهیز کردی و ساختی، آخرت خود را نیز بساز و به اندازه مقام و مدت آخرت آنرا بساز، زمان دنیا محدود است ولی آخرت بی نهایت است.

غزالی همیشه به ارزش و قیمت وقت و اهمیت دادن به آن و حریص بودن به آن و استفاده صحیح از آن هشدار می داد. وقت همان عمر انسان است. هر نفسی از نفس های انسان ارزش و قیمتش غیرقابل وصف است زیرا وقتی که گذشت دیگر بر نمی گردد. پس، وقتی که چنین است، انسان باید بر استفاده از آن بسیار حریص باشد و جز در خیر و نیکی از آن استفاده نکند. (احمد الشامی، ۱۳۸۵: ۳۲)

زمانی که سپری می کنی عمر توست (که لحظه لحظه آن از بین می رود) و عمر تو بزرگترین سرمایه و محور تجارت توست پس ببین و دقت کن که چگونه با سرمایه ات تجارت می کنی و چگونه از آن در جهت کسب نعمت های ابدی و تقرب به خدا استفاده می کنی زیرا هر لحظه از عمرت گوهر بی نظیر و گرانبه ای است و اگر بیهوده از دست برود دیگر بر نمی گردد. پس مانند احمقان فریب خورده مباش که هر روز به افزایش اموالشان در کنار کاهش عمرشان شاد می شوند اما چه سودی است در مالی که افزوده می گردد و برای عمری که کاهش می یابد؟ (احمد الشامی، ۱۳۸۵: ۵۴)

از دیدگاه ابوحامد غزالی، صرف عمر در تحصیل دانشی که در نهایت صاحبش را به طاعت خداوند رهنمون نسازد، اتلاف عمر است. پرداختن به علومی که تو را به اطاعت خداوند هدایت نکند، آن تلف کردن عمر است. (غزالی، بی تا: ۴۰ و ۴۳ و ۴۴)

غزالی به مصداق آیه قرآن وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَهُ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً (أَسْرَاء: ۷۹) شب هنگام را فرصتی مغتنم برای عبادت، خودسازی و تهذیب نفس می‌داند. شب‌ها را غنیمت شمار و شب زنده داری کن. (غزالی، بی تا: ۴۸)

یکی از پیامدهای عدم اغتنام فرصت و یا به عبارتی از دست دادن فرصتها، اندوه، حسرت و افسوس خوردن است که می‌تواند از نقطه نظر بهداشت روانی نیز قابل تأمل باشد. هر کسی که یک ساعت از عمرم در راهی صرف شود که او برای آن آفریده نشده است، شایسته است که زمان طولانی و طاعت در آن ساعت از دست رفته حسرت و افسوس خورد. (غزالی، بی تا: ۲۳)

غزالی کل عمر شبانه روزی آدمی در پیشگاه خداوند و در سرای آخرت را بر سه صورت توصیف می‌کند که نمایان می‌شود. ۱- ساعات عبادت و طاعت خداوند ۲- ساعات غفلت از خدا و خواب بودن و دلمشغولی به حاجات دنیوی ۳- ساعات معصیت پروردگار عالم؛ نو در خبر است که شب و روز ۲۴ ساعت است و بر هر بنده عرضه کنند اعمال وی بر صورت ۲۴ خزانه. یکی بیند پر ضیاء و نور و آن ساعت عبادت و طاعت بود. چندان شادی به دل وی رسد که بهشت در آن مختصر شود و آن از خشنودی حق تعالی باشد و خزانه ای دیگر بر وی عرضه کنند خالی و این ساعت غفلت بود و خواب و مشغول بودن به حاجات، چندان حسرت و غبن به دل وی درآید که آن را نهایت نبود که چرا این چون آن دیگر نبود و یکی دیگر بر وی عرضه کنند پر ظلمت و آن ساعت معصیت بود چندان فزع و هول بر دل وی پدیدار آید که گوید کاشکی مرا هرگز نیافریدندی. (غزالی، ۱۳۳۳: ۷)

اغتنام فرصت، نوعی آینده نگری است. غزالی به استناد قول پیامبر اکرم (ص) می‌گوید: برای دنیای خود آنقدر کار کن که برابر مدت ماندنت در دنیا باشد؛ برای آخرت آنقدر کار کن که برابر مدت ماندنت در آن است و به قدر حاجتت به خدا برای آن کار کن و به قدر صبرت بر آتش دوزخ برای دوزخ کار کن. (سلطان العلماء، ۱۹۹۵: ۵۵)

غزالی به اندازه ای به اغتنام فرصت اهمیت می‌دهد که حتی در خصوص فرصت انجام اعمال واجب یا مستحب نیز موضوع وقت را در نظر می‌گیرد. اگر انجام دو واجب یا دو امر مستحب پیش



بباید، انسان باید در انجام کاری که وقتش تنگ است و خطر از دست رفتنش می‌رود، شتاب کند. (احمد الشامی، ۱۳۸۵: ۶۵)

مثال انسان و عمر او، به سان مردی است که در تابستان یخ می‌فروخت و سرمایه ای جز آن نداشت و فریاد می‌زد و می‌گفت به کسی که سرمایه اش دارد آب می‌شود، رحم کنید. در مجموع، علل و عواملی که از نظر غزالی موجب از دست دادن فرصت‌ها و اتلاف عمر آدمی می‌شوند به طور خلاصه به این قرار است:

- ۱- غفلت از یاد خدا و در نتیجه عدم عبادت و اطاعت او و احياناً انجام گناه و معصیت الهی
  - ۲- خفتن بسیار در شبانه روز و از دست دادن فرصت نیمه شب و سحر و اوقات خاص استجابات دعا و نیایش. خفتن بسیار در شب و عادت نمودن به تن آسایی و تنبلی موجب از دست دادن فرصت هاست. غزالی با استناد به آیات قرآن و تأکید بر اهمیت شب زنده داری به استفاده از فرصت شب برای ارتباط با خدا اشاره دارد. شب‌ها را غنیمت شمار و شب زنده داری کن (غزالی، ---: ۴۸). البته این امر بیشتر برای دوره‌های بعد از کودکی مطرح است.
  - ۳- تحصیل علوم که انسان را به اطاعت خداوند رهنمون نکند. یکی از مصداق‌های اتلاف وقت و عمر، تحصیل علوم و دانشی است که در نهایت موجب اطاعت پروردگار یکتا نشود. پرداختن به علمی که تو را به اطاعت خداوند هدایت نکند، آن تلف کردن است، (سلطان العلماء، ۱۹۹۵: ۴۰)
  - ۴- غفلت از مرگ و دلمشغولی به دنیا و عدم توبه و عبادت و جبران مافات
  - ۵- پرخوری و در نتیجه خواب آلودگی و از دست دادن فرصت نیمه شب و سحر
  - ۶- غفلت از تربیت کودک و در نتیجه عدم توانایی در تربیت و تأدیب او در دوره‌های بعدی رشد او
  - ۷- کار امروز را به فردا انداختن و تنبلی و اعتماد و امیدواری زیاد به طول عمر و غفلت از سر رسیدن اجل
  - ۸- عدم تحقیق در کار جهان و هدف آفرینش و ماندن در گمراهی و صرف عمر در عدم اطاعت خدا
  - ۹- مغرور شدن به قدرت و مال و منال دنیوی و فرموشی خدا و مرگ و روز آخرت
  - ۱۰- عدم اولویت بندی کارهای واجب یا مستحب بر اساس مهلت انجام آن و تضييع حقوق الهی و انسانی
  - ۱۱- احمقی و کج فهمی و ماندن در جهالت و گمراهی و عدم درک راه صحیح رستگاری
- دلالت‌های تربیتی اغتنام فرصت:

غزالی کلّ زمان زندگی انسان را کودکی، جوانی و پیری در نظر می‌گیرد و ویژگی هر کدام را عنوان می‌کند و بر اغتنام فرصت زندگی در طول عمر اشاره می‌کند. زمان کودکی، فهم و شعوری در آن نیست. زمان جوانی، انسان در آن حال جنون دارد، مانند خوابی می‌گذرد. زمان پیری وقتی که برف پیری بر سر نشست، نفس کشیدن هم دشوار می‌شود... عاقل کسی است که در تمامی عمر در دنیا به فکر آخرت خود باشد و بکوشد تا آخرت خود را آباد کند. برای اینکه آخرت، جاویدان است و نعوذ بالله اگر آخرتی همراه با عذاب باشد که در آنصورت زندگی خیال، مانند دنیا که به ساعتی گذشته به هیچ نمی‌ارزد. بنابراین برای آخرت طوری عمل کن که جزای آن به خوشی مدت بقایت در آن که جاویدان است ارزش داشته باشد. (سلطان العلماء، ۱۹۹۵: ۵۷) او در جایی دیگر به اهمیت دوره کودکی برای تربیت شدگی اشاره دارد. هرچه کودک بزرگتر شود، دگرگونی اش در ادب و اخلاق دشوارتر می‌شود. پس باید فرصت را غنیمت شمرد و زودتر به تربیت و ادب کودک همت گماشت (رفیعی، ۱۳۹۲: ۱۰۶). از دیدگاه غزالی دوران کودکی، دوران نقش‌پذیری ذهن کودک است. بنابراین ضروری است که مربیان بهترین شرایط محیطی و تربیتی را برای پروراندن کودک رقم بزنند و فرصت دوران کودکی را غنیمت بشمرند و او را از غذای حرام و دایه‌ی بد و پوشاک فاخر و کودکان بد زبان و دزد و گستاخ به دور دارند و در نوجوانی نیز او را از عوامل گمراه‌کننده محیطی به دور دارند و با توجه به بلوغ جنسی نوجوان، او را از لحاظ ارتباطات جنسی و افکار و اشعار عاشقانه و مستانه مراقبت کنند. (رفیعی، ۱۳۹۲: ۱۵۱)

غزالی در آثارش به یکی از اصول تعلیم تربیت پرداخته است که به آن اصل ملازمت گویند. به این معنی که لازم است فرد مُتربّی، خود را پیوسته در معرض آموزش و پرورش قرار دهد تا یادگیری اش عمیق تر و پایدارتر شود و در او به صورت ملکه درآید. پس باید فرصت‌های آموزشی را مغتنم بشمرد و لحظه لحظه از فرصت‌های تربیتی برای تعمیق یادگیری استفاده ببرد. (رفیعی، ۱۳۹۲: ۱۳۶)

یکی از مشکلاتی که امروز، جامعه ما در حوزه تعلیم و تربیت، با آن مواجه است؛ بحث به تأخیر انداختن امر تربیت و تأدیب کودکان است. متأسفانه برخی از خانواده‌ها در ادب‌پروری و تربیت کودکان خود سهل‌انگاری می‌نمایند و با بیان این نکته که بگذار کودک، کودکی اش را بکند؛ کودکان و حتی نوجوانان خود را کاملاً آزاد می‌گذارند و در تربیت اجتماعی و تحصیل آداب و رسوم میان فردی کوتاهی می‌نمایند و نهایتاً مسئولیت این امر مهم را به گردن نظام آموزش و پرورش و جامعه می‌اندازند حال آنکه تربیت انسان در هر دوره از زندگی دارای حساسیت‌ها، بایدها و نبایدها و

ظرافت‌های خاص خودش است و اگر فرصت تأدیب کودک از دست برود مشکل بتوان او را در مرحله نوجوانی و جوانی تربیت و تأدیب نمود و اخلاق اجتماعی را به او آموخت. بنابراین یکی از فرصت‌هایی که باید غنیمت شمرد فرصت تربیت و تأدیب انسان در دوره کودکی است.

هر که در خردی اش آدب نکنند در بزرگی فلاح از او برخاست  
چوب تر را چنانکه خواهی پیچ نشود خشک جز به آتش راست  
« گلستان سعدی، باب هفتم، حکایت ۳ »

عمر آدمی، به پایان خواهد رسید. انسان‌ها با هر دین و باور و آگاهی و شخصیت، بالاخره روزی خواهند مُرد. کافران، در جهان آخرت و پس از آگاهی از حقیقت دنیا و اعمال خویش، آرزو می‌کنند که ای کاش به این دنیا مادی برگردند تا بلکه بتوانند و فرصت کنند کارهای نیک انجام دهند ولی افسوس که دیگر برگشتی در کار نیست و فرصت عُمر به آخر رسیده است (سوره مؤمنون آیه ۱۰۰). اینکه انسان از روی تعقل و تعمق به بررسی و انتخاب اعتقادات و باورهای خود برسد و راه صلاح و فلاح و سعادت‌مندی را هرچه سریعتر بیابد از اهمیت بسیاری برخوردار است. وظیفه خانواده و نهادهای تربیتی فراهم آوری زمینه این حرکت عاقلانه توسط کودکان و نوجوانان است.

گذرِ عمر، بطئی است و غفلت آور. تکرار و روزمرگی انسان‌ها را غافل میکند. امام علی (ع) می‌فرماید: *الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهِزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ* (حکمت ۲۱) فرصت، چون آبر می‌گذرد؛ پس فرصت‌های کارخوب را غنیمت شمرید. بازی برای رشد کودک بسیار مهم است اما بازیگوشی و غرق شدن در انواع بازی‌های امروزی در فضای مجازی و دیجیتال، عامل مهمی است که وقت و فرصت‌های ناب زندگی او را تلف می‌کند. بنابراین توجه دادن کودک و نوجوان به جریان گذر عمر و فراهم آوردن زمینه‌های رشد صحیح فردی و اجتماعی و اخلاقی او از اهمیت بسیاری برخوردار است. تربیت، امری تدریجی و مداوم است که در بستر زمان و در طول عمر آدمی انجام می‌گردد. پس لحظات عمر آدمی باید در راستای تداوم تربیت صحیح باشد. به عبارت بهتر، همانگونه که عمر، توقف ناپذیر است؛ تربیت نیز توقف ناپذیر است.

## نتیجه گیری

فلسفه اغتنام فرصت با فلسفه آفرینش هم راستا است. طبق تعالیم اسلامی، هدف از خلقت انسان، عبادت پروردگار یکتاست و این عبادت در طول زندگی بشر معنا پیدا می‌کند بنابراین انسان باید فرصت زندگانی را غنیمت شمرده و با شناخت خویشتن، خداوند و آفرینش الهی، و هدف از این آفرینش عظیم به پرستش خداوند روی آورد و راه سعادت‌مندی را هرچه سریعتر پیدا نماید. غزالی تأکید فراوانی پیرامون اغتنام فرصت توسط انسان‌ها دارد.

او عمر آدمی را ارزشمندترین فرصت برای اصلاح، تربیت نفس، عبادت پروردگار و گام برداشتن در مسیر سعادت اخروی می‌داند. غزالی در خصوص دوران کودکی و اهمیت آن برای پاک گردانیدن، دور داشتن کودک از مفاسد و رذایل و تربیت صحیح او اشارات مهمی دارد. فرصت کودکی برای کودک و مربی کودک حائز اهمیت است. برای کودک از جهت آشنایی با معارف اسلامی و علوم مورد نیاز برای سعادت‌مندی، کسب تجربه و رشد و از سوی دیگر برای مربی کودک نیز فرصتی مغتنم برای پروراندن و هدایت صحیح کودکی است که هم اکنون قابلیت انعطاف و تربیت و هدایت و تأدیب را دارد. اینکه کودک هنوز به فهم و شعور کافی برای زندگی و تعامل با دیگران نرسیده است و به تدریج معارف، تعالیم دینی و اخلاقی را کسب می‌کند؛ ضروری می‌نماید که مربیان کودک، هم اکنون که فرصت است و ذهن کودک آمادگی لازم را برای رشد و تربیت داراست، در پرورش و تأدیب او بکوشند و فرصت را غنیمت شمرند زیرا در دوره‌های بعدی رشد انسان، صفات و شخصیت وی راسخ تر و انعطاف پذیری آن مشکل تر و تربیت و تأدیب او دشوار و دشوارتر خواهد شد. در یک مقایسه اجمالی، ویژگی‌های انسان‌ها در خصوص استفاده نمودن یا ننمودن از فرصت‌ها در جدول ذیل بیان گردیده است:

عقل هستند	و ویژگی‌های انسان‌ها در برابر استفاده از فرصت‌ها
عادلانه هستند	انسان‌هایی که فرصت‌ها را غنیمت می‌شمرند انسان‌هایی که فرصت‌ها را از دست می‌دهند
جهان بینی توحیدی دارند	جهان بینی مادی دارند
به آینده و آخرت باور دارند و امیدوارند	به آینده ناامید و به جهان آخرت باور ندارند
برای آخرتش، کوشا و پرتحرک هستند	برای آخرتش تنبل و کسل هستند
به خوبی از فرصت‌های عمر برای عبادت و کار خیر استفاده می‌کنند	وقت گرانبه‌های خویش را فقط به دنیا سرگرم اند و به فکر آخرت نیستند
برای زندگی و عبادات خویش برنامه دارند	برنامه مشخصی برای زندگی و عبادت و عمل صالح ندارند

بسیار به یاد مرگ هستند و برای انتقال به جهان آخرت از مرگ غافلند و مشغول دنیای مادی هستند آماده اند

اهل عبادات و تهذیب و مراقبه و محاسبه نفس اند به عبادات مشتاق نیستند و خودشناسی و خودسازی ندارند

زندگی هدفمند و آخرت محور دارند دنیا محورند و تمام اهدافشان مادی و دنیا محور است

با نشاط هستند و مشتاق دیدار پروردگار خویش افسرده و غمگین هستند و احساس پوچی دارند

نسبت به وقت و زمان حریص اند و ارزش عمر را به ارزش وقت و فرصت ها را نمی دانند و به راحتی زمان را از خوبی می دانند دست می دهند

به گذشت زمان و عمر به بازگشت توجه دارند از گذر عمر بی بازگشت غافل هستند



## کتابنامه

- جلیلی، سید هدایت (۱۳۸۹)، غزالی پژوهی، مجموعه مقالات، تهران: انتشارات خانه کتاب، چاپ اول
- رفیعی، بهروز (۱۳۹۲)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم، جلد سوم
- سعدی شیرازی، مصلح الدین (۱۳۹۳)، بوستان سعدی، تهران، انتشارات آتلیه هنر، چاپ سوم.
- سعدی شیرازی، مصلح الدین (۱۳۹۳)، گلستان سعدی، تهران، انتشارات کتاب آبان، چاپ اول
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۰)، فلسفه آموزش و پرورش، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم
- عمید، حسن (۱۳۹۰)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سی و هشتم.
- غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۷۶)، میزان العمل، ترجمه: علی اکبر کسمایی، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم
- غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۴۹)، المنقذ من الضلال، ترجمه: زین الدین کیانی نژاد، تهران، انتشارات عطایی، چاپ چهارم.
- غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۸۲)، کیمیای سعادت، ترجمه: پروین قائمی، تهران، نشر پیمان، چاپ اول
- غزالی، ابوحامد محمد (بدون تاریخ)، پند نامه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، تهران
- قرآن کریم، (۱۳۸۹)، ترجمه: مهدی الهی قمشه ای.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، بحار الأنوار، جلد ۶۷، ترجمه سید ابوالحسن موسوی همدانی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ نهم.
- محمد بن عبدالله، (۱۳۸۳)، نهج الفصاحه، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، قم، انتشارات انصاریان، چاپ هشتم.
- همایی، جلال الدین (۱۳۸۷)، غزالی نامه، ایران، نشر هُما، چاپ اول